

تبلور مدیریت شهری در الگوی اسلامی با نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در جغرافیای جهان

عاطفه حسینی فرد

گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

مسعود راعی^۱

گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

احسان علی اکبری

گروه الهیات، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

ساختار مدیریت شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی شهری محسوب می‌شود. براساس برنامه مدیریت شهری که از سوی سازمان ملل مشخص شده است. ۵ محور برای منطقه جغرافیایی جهان در قرن ۲۱ در نظر گرفته شده است: مدیریت زمین شهری، مدیریت زیرساخت‌های شهری، مدیریت امور مالی شهرداری‌ها، مدیریت محیط زیست شهری و ریشه کن سازی فقر شهری. در این نوشتار بدنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا کشورهای اسلامی با رعایت الگوی اسلامی در مدیریت شهری موفق تر بوده اند یا کشورهای غربی؟ آیا الگوی اسلامی میتواند پاسخگوی نیازهای مدرن مسلمانان در کشورهای اسلامی باشد؟ در این نوشتار با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این مهم دست یافتیم که کشورهای اسلامی نیز می‌توانند با رعایت فرهنگ و الگوی اسلامی از تجارب موفق کشورهای توسعه یافته جهت ارتقاء و بهبود مدیریت شهری ایران استفاده کنند.

کلیدواژگان: مدیریت شهری، الگوی اسلامی، جغرافیای جهان، حکمرانی.

^۱. نویسنده مسئول: masoudraei@yahoo.com

مقدمه

ایران از قدیمی‌ترین کشورهای جهان و صاحب تمدن شهری دیرینه‌ای است. از همین رو موضوع مهم دیگر توجه به الگوها و مدل‌هایی است که شهرهای ایران برای اداره امور عمومی خوب پیش و پس از دوران مدرنیته انتخاب کرده‌اند. چالش‌های مدیریتی پدید آمده پس از ظهور کلان‌شهرها و ابرشهر تهران در کنار تجربه شوراهای شهر و مسائل پیش آمده بر سر تأمین منابع اداره نظام مدیریتی شهر و مساله جدید حکمرانی شهری از دیگر موضوعات مورد توجه در بحث اداره شهرها است. گسترش شهرنشینی و مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش ضرورت توجه همه جانبه به راهبردها و چاره‌ای سودمند برای بهینه‌سازی زندگی ساکنان شهرها را روشن ساخته است. در میان موضوع‌هایی مانند محیط زیست شهری، حمل و نقل شهری، ایمنی شهری و برنامه‌ریزی شهری، یک عامل بسیار مهم که تأثیر فزاینده و تعیین‌کننده‌ای بر دیگر عوامل سازنده زندگی شهری دارد، مدیریت شهری است. هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیتها را هماهنگ سازد، از هم میپاشد و به بی‌نظمی می‌گراید؛ و شهر نیز که پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین جلوه‌های زندگی بشری را در خود دارد بدون وجود نظام مدیریت شهری، که ضمن انجام برنامه‌ریزی‌های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر، به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آن پردازد، بی‌سامان می‌گردد. مدیریت شهری باید برای شهر، برنامه‌ریزی‌هایی انجام دهد، فعالیت‌های شهری را سازمان دهد، بر فعالیت‌های انجام شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش لازم را در سازمان مدیریت شهری و سایر سازمانها و شهروندان ایجاد نماید. در همین راستا همزمان با برنامه‌ها و اقدامات کشورها در زمینه نظام مدیریت شهری، از چند سال پیش، فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه مدیریت شهری آغاز شده که یکی از مهم‌ترین آنها، برنامه مدیریت شهری است. بنابراین به علت اهمیت موضوع، این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی و به لحاظ هدف کاربردی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا به منظور تعمیق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به تحقیق پرداخته است. الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چهار چوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد. تفاوت در این مبانی و چارچوبها موجب تفاوت در بیان و تحلیل وضعیت موجود، وضعیت مطلوب و راهبردها میشود. برای نمونه به برخی از این تفاوتها بین لیبرالیسم و اسلام اشاره می‌شود. در هستی‌شناسی اسلامی واقعیت به دو قسم مادی و مجرد تقسیم می‌شود و جهان از دو نظام علی و معلولی مادی و مجرد تشکیل شده است که با یکدیگر هماهنگاند و تدبیر هر دو به دست خداوند متعال انجام می‌شود؛ اما در لیبرالیسم واقعیت مجرد وجود ندارد اصالت ماده نتیجه‌ی اصالت تجربه‌ی حسی است که تجربه‌گرایان به آن معتقدند و نوع و قلمرو موضوع مورد شناخت را تعیین می‌کند (مجموعه سخنرانی‌های نشست الگوی ایرانی - اسلامی ۱۳۸۹: ۶۳) در مبانی معرفت‌شناختی، لیبرالیسم معتقد به تجربه‌گرایی است، تجربه‌گرایان در مورد تجربه‌گرایی جان لاک، ابزار شناخت و قلمرو هر یک، با یکدیگر اختلاف دارند؛ برای مثال برخی حس را ابزار شناخت دانسته و معتقد هستند عقل بر روی شناخت‌های حسی تأمل می‌کند (راسل، ۱۳۷۳: ۸۴۱-۸۴۲).

برای اتصاف الگوی اسلامی پیشرفت به ایرانی بودن دو وجه قابل تصور است:

۱- اتصاف الگوی مزبور به ایرانیت بدین لحاظ است که فکر و ابتکار ایرانی این الگو را به دست آورده است. اسلام در اختیار ملتهای دیگر هم بود ولی این ملت ما بود که توانست پا می تواند این الگو را از منابع اسلامی استخراج کند. در این صورت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت الگویی جهان شمول و ثابت برای جوامع اسلامی است که در برابر الگوی توسعه ی غرب مطرح می شود. این الگو از بخش ثبات منابع اسلامی به دست آمده و نشان دهندهی مسیر تمدن اسلامی است. در این صورت الگوی مزبور الهام بخش جهان اسلام خواهد بود و هر کشور اسلامی می تواند این الگو را بر شرایط فرهنگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود منطبق کند؛ چنین الگویی می تواند سند بالادستی تمام برنامه های سیاست ها و حتی سند چشم انداز بیست ساله باشد. بی تردید این الگو نمی تواند مشتمل بر عناصر زمانی و مکانی باشد ولذا در سه محور ترسیم وضعیت مطلوب، آسیب شناسی وضعیت موجود و ارائه راهبرد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تنها به عناصر ثابت و جهان شمول زیر خواهد پرداخت.

الف - ترسیم وضعیت آرمانی بر اساس آموزه ها و احکام اسلامی

ب- اصول روشی ثابت برای تحلیل و آسیب شناسی وضعیت موجود. این اصول باید مبتنی بر مبانی معرفت شناختی و هستی شناختی اسلامی باشد؛

ج- ارائه ی اصول راهبردی ثابت برای تغییر وضعیت موجود به مطلوبه

۲- به لحاظ اینکه الگوی توسعه ی اسلامی با شرایط و ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران تطبیق داده شده است، ممکن است این الگو برای سایر کشورهای اسلامی مناسب نباشد (مجموعه سخنرانیهای نشست، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، ۱۳۸۹: ۷۹).

۱- حکمرانی شهری با تیلور اسلامی

در این نوشتار منظور از حکمرانی شهری با تیلور اسلامی این است که در مدیریت مطلوب شهری با نگاه اسلامی بدنبال شهری هستیم که مقتضای زمان در حال تحول و پیشرفت باشد و همواره با نیازهای زمان و مکان و تکنولوژی در حال به روز رسانی و تجهیز باشد اما این تجهیز با استناد به مفاهیم، اصول و ارزش های اسلامی باشد. بنابراین در این نوشتار شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر مکان و زمان تجلی ویژه خویش را خواهد داشت. به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری و مصالح و دانش و فرهنگی و هنر بومی (که به اصول و ارزش های اسلامی در تعارض نباشد) تفسیر و تجلی خاص خویش را داشته باشد. در حکمرانی شهری اسلامی تمام فضای شهر بر اساس ایده آل های اسلامی، فرم های ارتباط و عناصر تزئینی خود آماده می شود (فریودی، ۱۳۹۳: ۲۴). در شهر اسلامی ما بدنبال شهری متمایز از سایر شهرهای جهان هستیم چرا که شهر اسلامی نماد هویت مسلمانان است و به واقع باید دارای اختاری متفاوت با شهرهای جهان است. شهر اسلامی، قبل از هر چیز یک قلعه ایمان است و از نظر سیاسی و قانون، تابع مقرراتی است که ناشی از شریعت هستند و از این رو نقش مذهبی شهر بر اهداف نظامی اقتصادی حکومت های مستقر در آن شهر اولویت دارد.

برای ظهور شهر اسلامی انطباق و همپوشانی سه فضا یا عنصر ضرورت دارد که شامل فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی می‌شود. درهمین راستا معاونت شهرسازی در تعریف شهراسلامی بیان می‌کند که شهراسلامی باید مکان تحقق تمدن و از نظر مفهومی منبعث از اصول دین مبین اسلام و در معنا دارای ارزش‌های پایدار مبتنی بر بینش عرفانی ایرانی و در مصداق مبتنی بر ویژگی‌های بستر طبیعی، فرهنگی و تاریخی باشد و در هر یک از بازه‌های زمانی متناسب با ویژگی‌ها و نیازمندی‌های مراتب گوناگون معنوی و مادی جوامع انسانی و با استفاده بهینه از علوم، فناوری و مهندسی شکل می‌گیرد. در شهراسلامی هدف اصلی فراهم آوردن زمینه مناسب جهت تکامل و تعالی انسان‌ها، مطابق با آموزه‌های دین اسلام بوده و در این زمینه توسعه روابط اجتماعی و نیز تولید مظاهر فرهنگ و تمدن به ویژه در آثار هویت مند هنری تجلی یافته است. نمونه‌های مصداقی آن را می‌توان پس از ظهور اسلام تا آغاز سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی در حوزه فرهنگی ایران ملاحظه کرد (حسینی فرد، راعی، علی اکبری، ۱۴۰۰: ۵۴). در ذیل طیف تلاش جهت مدیریت شهری اسلامی را میتوان ملاحظه کرد:

۱- قبل از اسلام:

شکل گیری شهرها؛ - تمدن بین النهرین؛ ۳- شکل گیری دولت شهر یونانی، (پارت) شهر مردمی؛ ۱- تشکیل دولت شهر ایرانی (پارسی) وابسته به حکومت مرکزی

۲- ورود اسلام تا قبل از صفویه:

رتبه بندی شهرها بر اساس جمعیت و وسعت، شکل گیری سازمان های قضایی؛ شهر اسلامی، تشکیل ساختار مدیریت اولیه مبتنی بر دولت شهر اسلامی، شکل گیری بازار، محله و میدان، ظهور سبک خراسان.

۳- صفویه تا جنبش مشروطه:

صفویه: رشد شهرنشینی، بروز اعتقادات قوی مذهبی (شیعه) در شهرسازی، دوران فترت شهرهای ایرانی؛ قاجار: جانمایی عرف بجای شر، قوت گرفت نهاد حسبه.

۴- جنبش مشروطه تا پایان پهلوی اول

تأسیس بلدیة، تهیه ی نظام نامه ی بلدیة، ورود الگوهای غربی به مدیریت شهری، تصویب و اجرای قوانین صرفاً کالبدی در مدیریت شهرها برای تغییر ارگانیزم موجود، نظام مند شدن فعالیت های مدیریت شهری، تغییر نام بلدیة به شهرداری

۵- پهلوی دوم

ایجاد ساختارهای جدید در حوزه ی نظارت بر مدیریت شهری و تهیه طرح های توسعه ی شهر، تشکیل نهادهای مدیریت کلان و نظارتی برای تهیه ی ضوابط و دستورالعمل ها و آیین نامه های برای برنامه ریزی و کنترل توسعه ی فضاهاى شهری.

۶- بعد از انقلاب

ادامه ی روند تهیه ی طرح های توسعه ی شهری، شورایی شدن مدیریت شهری، تدوی برنامه های راهبردی در حوزه ی مدیریت شهری، توجه به الگوی ایرانی اسلامی در مدیریت شهری برای با این وجود، در سده های اخیر روند مدیریت شهری ایران به تقلید از انگاراهی غربی و پدیده های جهانی شدن دچارتوعی انقطاع تاریخی و ناسازگاری نسبت به نوع فرهنگ و جهانیینی اسلامی کشوردرزمینه پذیرش پدیده های مدیریتی همچون حکمرانی خوب شهری به عنوان پدیده ای غربی و گیج شده است. در واقع شهرسازی ونیزمدیریت شهری، بعد از اسلام از یک سیر منطقی پیروی می کرده است ک نهایتا به سبک اصفهان منتج شده است. که همبستگی شهرسازی ومدیریت متناسب با مذهب تشیع است اما دردوره رضا شاه سبکی به نام سبک تهران حاکم شد که منبعث برایان پیش ازاسلام بود (محمدزاده،۱۳۹۹:۲۵).

امروزه حکمرانی شایسته شهری به‌عنوان پدیده مفیدی که البته ریشه در تفکرات غربی دارد، بر پیکر مدیریت شهری سایه افکنده که در جستجوی هویت گمشده خویش است. این در حالی است که نه‌تنها دین اسلام دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شهری شایسته است؛ بلکه حکمرانی شایسته اسلامی از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای کشور ایران برخوردار است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۸:۱۲). بر اساس یافته‌های تحقیق، نه‌تنها دین اسلام دارای قابلیت‌های ارائه مؤلفه‌های حکمرانی شهری شایسته است؛ بلکه از جامعیت بالاتری نسبت به نوع غربی، برای استقرار در شهرهای کشور برخوردار است. ضمن اینکه با تدقیق بر اسناد الگوی پایه پیشرفت شامل مبانی، آرمان، رسالت، افق و تدبیر مشخص شد که می‌توان بسیاری از مؤلفه‌های حکمرانی اسلامی شایسته شهری را از این اسناد استخراج کرد؛ هرچند به‌صورت مستقیم هیچ اشاره‌ای به حکمرانی شایسته شهری نشده است.

بررسی تطبیقی مدیریت شهری درجهان

اصول مدیریت شهری در اروپا

در الگوی مدیریتی در اروپا سه عامل مدیریتی لحاظ می گردد:

۱- برنامه ریزی

۲- اجرای برنامه ها

۳- نظارت و ارتقای برنامه ها

در اروپا مدیریت شهری متناسب باوضعیت شهرنشینی است این بدان معناست نوع مدیریت با وضعیت وشرایط شهر مشخص می شود یعنی شهرهایی که به لحاظ فیزیکی و اقتصادی توسعه یافته هستند نیاز به شیوه مدیریت شهری متفاوت با شهرهای عقب مانده و دچار نقصان دارند.لذا دراروپا با هدررفتن منابع وامکانات مواجه نیستند وهرشهری بسته به شرایطی که دارد امکانات تهیه می شود .به عنوان مثال بسیاری از شهر ها نتوانسته اند به توازن عرضه و تقاضا در تولیدات و خدمات شهری برسند. در این موارد شهر های اروپایی وضعیت بازارهای شهری مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهند. با این روش تقاضا برای تولیدات خدمات شهری و عرضه مایحتاج شهروندان به توازن می رسد. از موارد دیگری که در مدیریت شهری اروپا مدنظر قرار می گیرد را می توان به وضعیت حمل و

نقل شهری، مدیریت اراضی، اقتصاد شهری و منطقه‌ای، سازمان دهی کارآیی و حجم تولیدات در کلان شهرها اشاره کرد (یوسف پور، ۱۳۹۰: ۶۵).

به طور نمونه مدیریت شهری اروپا اقتضای می‌کند که:

۱- در شهرهای فقیرنشین جهت بهبود وضعیت شهروندان این شرایط رامحیا ساخته اند که قشر فقیر جامعه به اراضی به صورت شرایط راحت دستیابی داشته باشند و به این منظور امنیت شغلی را برای آنها محیا ساخته اند چرا که بهبود شرایط کاری و سازمان دهی اجتماعی می‌بایست به اندازه بهبود شرایط محیط شهری مد نظر قرار گیرد. چراکه قشر ضعیف و کم درآمد جامعه هم می‌بایست از امانات دسترسی به اراضی شهری و امنیت شغلی برخوردار باشند.

۲- در شهرهای فقیرنشین دولت به شهروندان کمک‌های مالی می‌کند و جهت تهیه بخشی از بودجه آن از مشارکت‌های مالی سازمان‌های مردمی و خصوصی نیز استفاده می‌کند و این کمک‌ها سبب افزایش کارآیی مدیریتی در جهت اخذ و اداره سرویس‌های مالی-اعتباری به منظور توسعه فعالیت‌های درآمدزا و تسهیلات مسکن شده است. همچنین در این زمینه می‌توان به ایجاد ارتباط میان این گروه‌های مشارکتی با موسسه‌های ملی رسمی و استحکام کارآیی و افزایش سطح تولیدات دولت‌های محلی در ارتقاء تمهیدات مربوط به وضع اقتصادی و معیشتی جامعه اشاره کرد.

۲- خدمات تکنیکی در جهت مدیریت محیط زیست شهری بر موارد زیر متمرکز شده است:

- مدیریت بازیافت زباله: این بخش شامل بهبود مدیریت شهری در جهت برنامه‌ریزی، تامین اعتبار، و عملی ساختن امور مربوط به سیستم زباله‌های جامد شهری می‌باشد. در اینجا می‌بایست تقویت سرمایه‌گذاری در سیستم زباله‌های جامد شهری و بخصوص در زمینه‌های جمع‌آوری زباله‌های جامد، دفن و همچنین بازیافت مواد به خوبی انجام پذیرد.

- مدیریت آب و فاضلاب و آلودگی هوا: این بخش شامل بهبود خط‌مشی‌ها و قوانین زیست‌محیطی به منظور ترفیع و تفضیح اختیارات مدیریت شهری در جهت برنامه‌ریزی، تامین اعتبار و عملی ساختن امور مربوط به سیستم آب و فاضلاب و کیفیت هوا می‌باشد. در اینجا می‌بایست تقویت مشارکت میان دولت‌های محلی و سازمان‌های دولتی در ارائه خدمات زیست‌محیطی و حفاظت از محیط زیست لحاظ گردد.

خدمات تکنیکی در جهت مدیریت شهری به شیوه مشارکتی

در حال حاضر، چهار نوع حکومت شهری در جهان مشاهده می‌شود و عموماً هر کدام از کشورها به منظور اداره امور شهرها یکی از سیستم‌ها را برگزیده اند (قالیباف، زکی، رضوی نژاد، آل حسن قزوینی، ۱۳۹۵: ۱۵).

الف- سیستم غیرمتمرکز در نظام‌های فدرالی (سیستم فدرالی^۱): این سیستم در کشورهایی از قبیل، ایالات متحده آمریکا، آلمان و هند مشاهده می‌شود.

ب- سیستم غیرمتمرکز در نظام‌های متمرکز (سیستم بریتانیایی^۲): این سیستم در کشورهایی از قبیل، انگلستان، استرالیا، کانادا، ژاپن و کشورهای اسکاندیناوی مشاهده می‌شود.

¹ - The decentralized system found in federal constitiutions

² - The decentralized system found in unitary donsitiutions

ج- سیستم نظارتی فرانسوی (سیستم ناپلئونی^۱) این سیستم در بخش وسیعی از جهان- به خصوص کمتر توسعه یافته- مشاهده میگردد. از جمله: کشورهای فرانسوی آمریکای التین و کشورهای آسیایی و فرانسه.

د- مدیریت شورایی یک پارچه: این نوع مدیریت در شوروی سابق جریان داشت و انواع شوراها تمامی امور کشور را برعهده داشتند؛ البته در عمل از این الگو تخطی شد و مسائل و مشکلات عدیده ای ظهور کرد (پیران، ۱۳۸۱: ۱۳).^۲ حال با این تقسیم بندی درذیل به بررسی مدیریت شهری فرانسه و آلمان می پردازیم:

فرانسه

نظام مدیریتی و اداره شهر در هر کشوری تابعی از نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. در نظامهای سیاسی غیر متمرکز که عموماً الگوی حکومت در کشورهای شمال است اداره امور شهرها نیز بصورت غیر متمرکز و بوسیله نهادهای محلی انجام میشود. اساس حکومت در این کشورها بر مبنای مردم سالاری است. این ویژگی در نظام اداره شهرهای آنها نیز حاکم است. به عبارت دیگر، مقامات مدیریت شهری براساس انتخابات تعیین میشوند و نظارت بر جریان اداره امور شهر از طریق شوراهایی انجام می شود که نمایندگان منتخب مردم در آنها عضویت دارند. بررسی کوتاه از سیستم های مدیریت در شهرهای بزرگ دنیا، اعم از شهرهای کشورهای دنیای سرمایه داری و یا سوسیالیستی، حاکی از آن است که اکثراً مدیریتی مقتدر، مستقل و مردمی بر این شهرها حکومت میکند. بررسی چارتهای سازمانی در این کشورها نشان می دهد که مدیریت سیاسی شهرها حتی در شهرهای کوچک نیز برای اداره شهر از هیچ نهاد یا فرد غیر مرتبط دستور نمیپذیرد. (مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهری تهران، ۱۳۷۴: ۸۳) در این کشورها حکومت های شهری مستقل با دایره وسیعی از اختیارات، اداره شهر را از جنبه های گوناگون بر عهده دارند و زمینه برای مشارکت مستقیم مردم و بخش خصوصی در نحوه مدیریت شهر فراهم است. در این جوامع مدیریت شهری که نظامی باز است از ارتباطات سیاسی و اجتماعی خود با سایر بخش های جامعه سود می برد، تا اهداف و مقاصد خود را پیاده نماید و عملکرد خود را براساس خواست های شهروندان تنظیم کند. مدیریت شهری در این کشورها، شفاف، پاسخگو، مشارکت جو و شهروند محور است. در کشورهای شمال رابطه متقابل بین جامعه و مدیریت شهر وجود دارد و ارزشها و گرایشهای مختلف در شهرها متأثر از همگرایی اجتماعی بوده و به نوعی تفاهم و هم سویی متقابل را می رساند. مدیریت سیاسی شهر در این کشورها بیشتر حالت یک دولت محلی کوچک را دارند که دارای استقلال زیادی در اداره امور زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه شهری خود هستند. لذا مسئولین اداره شهر خود را در برابر شهروندان مسئول می دانند، نه در مقابل حکومت. به دلیل همبستگی درونی بسیار قوی بین عناصر سیستم نظام شهر، یعنی مدیریت، جامعه و کالبد، این نظام در برابر تغییرات محیطی اعم از سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی ثبات و مقاومت بسیار زیادی از خود نشان داده و تغییرات را به راحتی جذب و هضم می کند (یوسف پور، ۱۳۹۰: ۳۱). نظام مدیریت سیاسی شهر در کشورهای شمال عموماً درون گرا و به صورت متقابل با سایر عناصر در ارتباط و تبادل اطلاعات و ارزش ها می باشد (کامروا، ۱۳۷۸: ۵۸). همین دلیل نظام شهری دینامیک

^۱ - The Supervisory system found under the – napoleonic" or frenech-typ

و پویایی را بوجود آورده است که نتیجه مشارکت و همراهی متقابل نهادهای جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت است.

نوع سیستم مدیریتی فرانسه

انقلاب فرانسه تمرکززدایی را به طور کلی از میان برداشت، انتخابات در تمام ارگان‌ها انجام شد و اعمال نفوذ قدرت مرکزی اگر به کلی از بین نرفت، به شدت ضعیف شد. اما در سال هشتم حکومت، بنای پارت برعکس، یک تمرکزگرایی کلی را بر جامعه فرانسه تحمیل کرد. شهردار و شورای شهر تعیین شدند و زیر نفوذ فرماندار قرار گرفتند. با استقرار رژیم سلطنتی در ژوئیه ۱۹۳۶ تحول به سوی نوعی دموکراسی منطقه‌ای ریشه دواند. شوراهای شهر از اوائل سال ۱۹۳۱م و شهردارها از اوائل ۱۹۹۶ م انتخاب شدند. قانون ۵ آوریل ۱۹۹۴ ساختارهای اصلی دولت محلی را ایجاد کرد که اصول متعددی از آن تا به امروز بدون تغییر ماند. هر کمون شورای شهر خاص خود را دارد که به شکل مستقیم از سوی مردم انتخاب میشود و شهردار را شورای شهر برمیگزیند. قانون ۱۹۹۴م همچنین "شرط صالحیتهای عمومی" را برای کمونها مشخص کرد. قانون یادشده، رژیم فعلی سازمان شهرداری را به صورت اساسی پایه گذاشت. این قانون تغییر کرد، سپس تکمیل شد و اکنون در قانون عمومی واحدهای سرزمینی می‌شود یافت.^۲ سیستم مدیریتی فرانسه از زمان ناپلئون به بعد همواره متمرکز بوده است. تمام تصمیمات در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای حتی صدور مجوز ساخت و ساز توسط مقامات دولتی صادر می‌شده است. شهرداران که بیشتر مدیریت کمونها را بر عهده دارند در این زمینه اختیارات محدودی داشته‌اند. در آغاز سال‌های ۱۹۸۲ دولت به منظور تمرکززدایی با تصویب قانون شماره ۲۱۳ - ۸۲ نخستین گام‌ها را برداشت. براساس این قانون، شهرداری‌ها، دپارتمان‌ها و مناطق به طور آزادانه به وسیله شوراهای منتخب اداره می‌شوند. درکشور فرانسه جهت برنامه‌ریزی شهری نیز فعالیت‌های زیادی انجام پذیرفته که در ذیل به آن می‌پردازیم:

در فرانسه برنامه‌ریزی شهری از وظایف دولت مرکزی بوده و دولت در تهیه طرح‌های توسعه شهری دخالت می‌کند. از این رو تهیه طرح‌ها توسط مسولان محلی دولت مرکزی صورت می‌گیرد. طرح‌های بلندمدت، توسط دولت و نهادها و سازمان‌های ذیربط به صورت مشترک تهیه می‌شود. تهیه طرح‌های تفصیلی و یا هر نوع برنامه‌ریزی اجرایی در این سطح به عهده شهرداری‌هاست. در واقع از سال ۱۹۸۳ به بعد و به دنبال تمرکززدایی، مسولیت تهیه طرح کاربری زمین محلی به کمونها واگذار شده است. به طور کل، این طرح‌ها به وسیله دپارتمان‌های دولتی به صورت رایگان برای حکومت‌های محلی تهیه می‌شود. با این حال بیشتر کمونها شرکت‌های مهندسان مشاور بخش خصوصی را با کمک‌های مالی از سوی دولت برای تهیه این طرح‌ها استخدام می‌کنند.

در فرانسه با وجود حضور مردم، دستگاه‌های محلی و دولتی در تمامی مراحل تهیه طرح، حضور دارند. در تهیه طرح‌ها در فرانسه مراحل زیر طی می‌شود. تایید شورای شهر، تشکیل جلسات مشترک بین سازمان‌ها و انجمن‌های مقرر در قانون و بالاخره تایید و ابلاغ طرح از سوی فرماندار، اگر طرح مورد مخالفت قرار گرفت در آن صورت تصویب آن نیازمند تصویب وزارت مسکن و تجهیزات کشور است.

¹ -local government france2014

² - des collectivités territoriales- CGCT Code general

در زمینه برنامه‌ریزی شهری، نظام فرانسه دارای مکانیزی قوی برای ایجاد یکنواختی و تعبیت از قوانین برنامه‌ریزی دارد. دادگاه‌های اداری، مکانیزی برای بررسی مجدد و اعتراضات برای تمامی شرکت‌کنندگان در امر برنامه‌ریزی از جمله متقاضیان، مقامات محلی، افرادی که تحت تاثیر اجرای طرح‌ها قرار می‌گیرند و بالاخره گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، فراهم می‌سازد (کورمیر، لاجرتر، ۵۶: ۱۳۸۹). با این وجود نظام برنامه‌ریزی فضایی در فرانسه درگیر یک سری مشکلات است از جمله مشکل درک روندهای پیگیری قانونی برای عامه مردم. نا توانی مالی و تشکیلاتی کمون‌های کوچک در به عهده گرفتن وظایف محوله تحمیل قوانین برنامه‌ریزی شهری به صورت یکنواخت به کمون‌ها موجب می‌شود تا گاهی با شرایط واقعی اقتصادی و اجتماعی جوامع تطبیق نداشته باشد و جوابگوی نیازهای جوامع کوچک نباشد. مشکلات مالی کمون‌های کوچک باعث تحمیل مالیات‌های محلی بیش از توان مردم شده است. در زمینه مدیریت شهری به دنبال تمرکززدایی، تغییرات مثبتی در نظام مدیریت شهری در فرانسه به وجود آمده است این تغییرات عبارتند از:

۱- تقسیم وظایف بین سطوح مختلف حکومت‌های محلی و دولت مرکزی به صورت منطقه‌ای صورت گرفته است.

۲- با افزایش اختیارات حکومت‌های محلی در نحوه مدیریت داخلی تشکیلات خود، این نهادها امروزه با استخدام کارشناسان متخصص از بخش خصوصی و دانشگاه‌ها کارکرد خود را بهتر نموده و بیشتر مانند یک شرکت تجاری کارا عمل می‌کنند (کولسون، ۱۳۸۱: ۵۹).

-از نکات منفی مدیریت شهری در فرانسه می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱- تمرکززدایی و واگذاری پاره‌ای از خدمات از دولت مرکزی به حکومت‌های محلی، منابع مالی مورد نیاز حکومت‌های محلی به منظور به عهده گرفتن خدمات خود به میزان مطلوب نیست (جیفرد، ۱۳۸۹: ۵۹). لذا فعالیت‌های مذکور از سوی نهادهای مختلف حمایت می‌شوند و در نتیجه مسئول نهایی و پاسخگوی اصلی برای هر فعالیت مشخص نیست (الکساندر، ۱۳۹۵: ۴۵).

۲- شهرداران به عنوان رئیس هیات اجرایی و رئیس شورای شهر به دنبال تمرکززدایی، بیش از اندازه قدرت به دست آورده‌اند و پاسخگویی لازم را نسبت به مردم و سطوح مرکزی ندارند (لیب زاده، ۱۳۹۵: ۱۸۴). زیرا که سطوح دولت مرکزی فاقد کارشناسان مورد نیاز در جهت نظارت بر فعالیت‌های حکومت‌های محلی است.

۳- به علت وجود تعداد زیاد کمون‌ها (در حدود ۳۶ هزار واحد) و اختیاراتی که در حال حاضر بر عهده کمون‌ها است نمی‌توان آنها را مجبور به همکاری کرد. از سوی دیگر نبود همکاری موجب مشکلات مالی و تجهیزات بی‌شماری برای این نهادها شده است. بنابراین تنها راه ترغیب شهرداران به همکاری، ایجاد انگیزه برای همکاری است، که این به نوبه خود نیازمند توسعه فرهنگ جدید مدیریتی است (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲).

جدول ۱. تطبیقی شیوه مدیریت شهری در ایران و فرانسه

نتیجه مقایسه	فرانسه	ایران
اختلاف در نوع سازماندهی سیاسی فضایی کشوری و همچنین تقسیمات کشوری مشهود است.	نمایندگان مردم در فرانسه در کمون‌ها برگزیده می‌شوند و ممکن است یک یا چند شهر در هر کمون وجود داشته باشد	در ایران نمایندگان مردم در هر شهر به صورت جدا انتخاب می‌شوند

عملکرد کشورفرانسه مطلوب تر است چراکه آمارسرعت عمل تصمیم گیری وعدم فساد اداری بیشتر است	حوزه اختیارات ذاتی و قانونی مدیریت شهری در فرانسه کاملا گسترده و وسیع است وحتی در برخی موارد حق تعیین مالیات های گوناگون را نیز دارا هستند	در ایران حوزه اختیارات از نوع تفیضی است و عموم تصمیم گیری ها باید برای اجرایی شدن به تایید مرکز برسد.
میزان رضایت مردم از طرح های توسعه شهری به دلیل مشارکت در تصمیم گیری بیشتر است	طرح های ساماندهی شهری در فرانسه با مشورت مردم و ذینفعان تهیه و تنظیم می گردد (پایین به بالاست)	در ایران طرح های توسعه ای شهری بدون توجه به نظرات مردم تهیه و اجرا می شوند(بالا به پایین است)
میزان توسعه شهری در فرانسه بیشتر است	در فرانسه اکثر حوزه های اجرایی محلی در اختیار مدیریت شهری می باشد.	مهمترین حوزه اختیارات مدیران شهری در ایران از نوع خدماتی است
میزان توسعه شهری در فرانسه بیشتر است	در فرانسه مدیریت شهری از استقلال نسبی برخوردار بوده و حکومت مرکزی در موارد خاص در آن دخالت می کند.	مدیریت شهری در ایران بیشتر وابسته به یک نوع از ردیف بودجه ها است

آلمان

آلمان دارای ساختار غیرمتمرکز با مناطق شهری، شهرها، شهرهای متوسط و کوچک است. این مراکز که به عنوان مراکزی برای اقتصاد، عرضه و اشتغال عمل می کنند، تأثیر قابل توجهی بر توسعه منطقه ای در آلمان دارند. در دهه گذشته، اکثر شهرهای آلمان افزایش جمعیت را گزارش کرده اند. در بسیاری از نقاط این امر منجر به تنگنایی در بازار مسکن و افزایش اجاره بها شده است (استیوتویل، ۲۰۱۳: ۲۵). با این حال، مناطق روستایی و از نظر اقتصادی ضعیف اغلب با مشاغل خالی و مهاجرت دست و پنجه نرم می کنند. آنها با چالش کاهش پایدار مواجه هستند. بنابراین، تقویت همکاری شهری و روستایی برای ایمن سازی خدمات عمومی ضروری است. چالش های دیگر حفاظت از آب و هوا، انتقال انرژی و نوسازی انرژی محور، تغییرات جمعیتی و انسجام اجتماعی است. در این زمینه، فرآیندهای برنامه ریزی باز و همچنین مشارکت شهروندان و جامعه مدنی اهمیت پیدا می کند. در آلمان بدلیل سیستم های حکومتی فدرال، دولت مرکزی در امور محلی ایالات و شهرها کمتر دخالت می کند و حکومت های محلی از استقلال بیشتری برخوردار هستند. بر همین اساس شهرداری ها، حکومت های محلی، استانداری ها و فرمانداری ها در تمام امور مربوط مستقل هستند و دولت برکارآن ها نظارت می کند وحتی در صورت نیاز و بروز حوادث تا ۲۵ درصد کمک های مالی، فنی و اضطراری نیز ارائه می دهد

شهرداری آلمان

مولفه های اصلی شهردای شامل :

الف-همیاری شهرداری ها:

هم در بخش ها و هم در ایالات در آلمان، معمول است. این همیاری ممکن است هم بین شهرداری های همسایه صورت گیرد و هم از طریق اتحادیه شهرداری ها.

ب- مشارکت مردم:

ماهیت حکومت ملی در آلمان نیز دموکراسی غربی است و این کشور سیستم سرمایه‌داری دارد ولی سیستم سرمایه‌داری در آلمان مانند اکثر کشورهای اروپایی، دارای حدت و شدت سرمایه‌داری آمریکا نیست. یک نمود این کیفیت این است که برخی از کشورهای اروپایی، دارای احزاب کمونیست هستند و این احزاب در مجالس ملی و محلی این کشورها نماینده دارند یا در فرانسه، سوسیالیست‌ها همچنان حکومت را در دست دارند. در آلمان نیز سوسیالیست‌ها مدت‌ها زمامدار بودند و اکنون نیز اقلیتی نیرومند را در این کشور به وجود می‌آورند. حال آن که در ایالات متحده عضویت در حزب کمونیست و وجود این حزب غیرقانونی است و داشتن گرایش‌های سوسیالیستی، نامقبول می‌باشد. از همین رو در آلمان، در حکومت ملی و محلی، مردم مؤثرند و حتی برخی از قوانین کشور آلمان، مشارکت مردم (یا در واقع فراهم آوردن امکانات این مشارکت) را به صورت اجباری در آورده است.

اختیارات شهرداران

در سیستم مدیریٲ شهری آلمان نیز سه مدل در شیوه کار و قدرت و اختیارات شهرداران وجود دارد که البته با تفاوت‌هایی چند، شبیه همان سه مدل آمریکایی است. که شامل:

الف- مدل شهردار- شورا،

در دو ایالت باواریا و بادن و ورتمبروگ، سیستم شهردار پر قدرت حاکم است؛ در این سیستم به نظر می‌رسد که شهردار پر قدرت آلمان از شهردار پر قدرت آمریکایی، نیرومندتر است

ب- مدل اداره شهر توسط کمیسیونرها

به آلمانی، مدل ماگیسترات، نامیده می‌شود که معادل همان مدل آمریکایی اداره شهر توسط کمیسیونرها می‌باشد. در این مدل، مدیریٲ شهر به جای یک نفر (شهردار) توسط یک هیأت صورت می‌گیرد (اسکاندورا، ۱۳۹۵: ۲۵).

ج- مدل اداره شهر توسط مدیر

از طرف مجلس، یک نفر به عنوان مدیر شهر انتخاب می‌شود. وی باید دارای گرایش سیاسی خاصی نباشد ولی در اداره شهر، واجد سابقه، تجربه و تبحر باشد. مدیر فقط جوابگوی مجلس است و بر تمام اداره‌های مختلف شهر، مدیریٲ دارد. پست شهردار عملاً یک پست تشریفاتی است ولی در عین حال ناظر بر امور شهر است (تایب، ۱۳۹۱: ۴۴).

مدت عضویت شهرداران

مدت مأموریت مدیران شهر ممکن است ۶، ۸ یا حتی ۱۲ سال باشد که نسبت به مدت مأموریت مدیران آمریکایی، طولانی‌تر است. این مدل در آلمان کمتر معمول است و از مدل آمریکایی مشابه خود اقتباس شده است. در این سیستم چون شهردار مستقیماً منتخب مردم نیست بیشتر خود را مسئول سیاستمداران می‌داند تا مردم. در آلمان، مدت مأموریت شهردار ممکن است تا ۱۲ سال به درازا بکشد و به همین دلیل نگرانی و دغدغه‌ای برای انتخاب مجدد ندارد و از این نظر نیز خود را دست کم به صورت مستقیم، پاسخگوی مردم نمی‌داند.

میزان رضایت مردم از مدیریت شهری در آلمان

بدلیل اینکه شماری از اقتصاددانان «واحد اطلاعات اقتصادی»^۱ در سال ۲۰۱۴ بر اساس سطح درآمد سرانه و هزینه‌های سبد خانوار، سطح دسترسی به کالاها و خدمات مناسب و با کیفیت و خدمات بهداشت و درمان ۱۱۰ کشور جهان به این مهم دست یافتند که با توجه به درآمد و شاخص ارزان بودن کالاها و خدمات و دسترسی آسان، آلمان با شاخص ۰۴۸/۷ در جایگاه ۲۶ قرار دارد.^۲ همچنین در رتبه‌بندی دیگری که توسط مؤسسه «Legatum-Institute» در قالب انتشار شاخص رفاه سال ۲۰۱۳ صورت پذیرفته است بهترین کشورهای جهان از لحاظ سطح زندگی و رفاه، اعلام شده‌اند. در این میان سهم آلمان، کسب رتبه ۱۴ با امتیاز ۶.۷ از ۱۰ در حوزه رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی شهری است (ویگن، ۱۴:۱۳۹۵).

جدول ۲. بررسی انواع مدیریت شهری در کشورهای اروپایی، آمریکا، ایران

مدل مدیریت شهری در ایالات متحده آمریکا	مدل های مدیریت شهری در کشورهای اروپایی	مدل مدیریت شهری در ایران
تفکیک قدرت بین شهردار منتخب مستقیم و شورای شهر، قدرت اجرایی شهردار و قدرت قانونگذاری شورا، انتخاب مستقیم شهردار.	مسئله مشارکت مردم در مدیریت شهری با چالشهایی روبرو است که بیشتر جنبه امنیتی و سیاسی دارند.	مدل شورا - مدیر شهر
	تفکیک قدرت بین شهردار منتخب مستقیم و شورای شهر، قدرت اجرایی شهردار و قدرت قانونگذاری شورا، انتخاب مستقیم شهردار.	۱- نقص در مدل مدیریت شهری ایران و ضرورت تفکیک مدیریت سیاسی شهرداری از مدیریت تخصصی ۲- محدودیت در وظایف نهادهای مدیریت شهری یکسان بودن مدل اداره امور شهر در تمام شهرها ۳- نقص مکانیزم نظارت و تعادل بخشی در تنظیم رابطه شورا و شهردار (مدیر شهر) و نحوه انتخاب اعضای شورای شهر
	انتخاب رای دهندگان به افراد به عنوان اعضای کمیسیون، وظیفه اجرایی و قانونگذاری داشتن کمیسیون، تفویض مسئولیت بخش های مختلف شهرداری مانند آتش نشانی، مالیه، بهداشت و ... به هر یک از اعضای کمیسیون، انتخاب یکی از اعضا به عنوان رئیس یا شهردار.	در این مدل تأکید بر طبیعت جمعی رهبری است و نه تخصص گرایی فردی یا رهبری سیاسی.

^۱ - EIU

^۲ - بیست گام برای توسعه شهر سالم، از انتشارات منطقه اروپایی سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۲)، ترجمه حسن سلمان منش، ستاد شهر سالم، تهران ۱۳۷۳.

<p>در نظام مدیریت شهری یک بدنه اجرایی تخصصی وجود دارد که وظایف و نقش مدیریت استراتژیک و هماهنگی را ایفا می کند. در این مدل امور اجرایی توسط کمیته های دائمی که توسط شورای شهر ایجاد می شوند، عملیاتی می شوند.</p>	<p>جد (ج) مدل رهبری توسط کمیسیون: کشورهای سوئد، دانمارک و اتریش</p>	<p>شورای شهر بر اداره کلی شهر نظارت می کند و سیاست گذاری و تنظیم بودجه را بر عهده دارد، شورا برای انجام عملیات و اداره فعالیت های روزانه شهر، فردی را به عنوان مدیر استخدام می کنند و شهردار اغلب از میان اعضای شورا و به شکل دوره ای انتخاب می شود.</p>	<p>جد (ج) مدل شورا - مدیر شهر</p>
<p>مه وظایف اجرایی در اختیار یک مدیر متخصص (مدیر شهر) است که توسط شورای شهر انتخاب می شود. شورای شهر دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاست های عمومی است؛ با این وجود نمی تواند در وظایف اداری و اجرایی که در دست مدیر شهر به عنوان رهبر اجرایی حقیقی است، دخالت نماید.</p>	<p>جد (د) مدل شورا - مدیر شهر: کشورهای فنلاند و آلمان</p>	<p>مکان حضور تمام شهروندان در بحث های نشست یا گردهمایی شهر، مسئولیت اجرای سیاست های نشست برای هیأت متخبان، لزوم اعلان زمان، مکان، فهرست و شرح مختصر موضوعات هر یک از نشست های شهر</p>	<p>جد (د) مدل گردهمایی و نشست شهری باز و نماینده</p>

چالش های مدیریت شهری در کشورهای اروپایی

در کشورهای اروپایی با دوچالش مواجه هستیم:

الف) چالش های محتوایی: مشکلات و مسائلی مانند اسکان غیر رسمی، گسترش بخش غیررسمی شهر، خدمات شهری نامناسب و کمبود بهداشت را می توان در زمره مسائل موضوعی و محتوایی شهر دسته بندی کرد و همچنین غالب مسائل و مشکلات را که از دیدگاه شهرداری ها طبقه بندی شده است در این دسته قرار دارند.

ب) چالش های رویه ای: این دسته از مسائل اگرچه پنهان هستند اما مهمتر و بنیادی تر از مسائل محتوایی آشکار شهر به شمار می آیند و به دلیل اینکه این چالش ها بوجود آورنده یا تشدید کننده مسائل محتوایی می باشند از جمله این چالش ها به مقاومت در برابر دگرگونی ها، کمبود انگیزه و ابتکار در ایجاد تحولات اساسی در شهر، جدا افتادگی، تفرق بخش های مختلف شهر، ضعف توان نهادی شهرها و مقاومت در برابر دگرگونی و روابط نامناسب میان حکومت و مدیریت های محلی و شهری می توان نام برد.

چالش های فقهی مدیریت شهری ایران با توجه به مدل شورا-مدیرشهر از قرار زیر است:

فقه شیعه برای برون رفت کشورهای اسلامی از مشکلات مدرن جوامع شهری راهکارهایی از جمله اصول خاص ساخت و ساز اسلامی (حریم و بلندی ساختمان ها)، حاکمیت بر مسائل ساخت و ساز، رعایت عدالت در توزیع امکانات شهری و ... را پیشنهاد کرده است.

در اصول ساخت و ساز، برای رعایت حریم شخصی افراد، فاصله بین هر دو ساختمان با تعیین حریم دو گذرگاه، ۵ ذراع (معادل ۲.۳۱ متر) تعیین می شود. اما در شهر های ایران عمدتاً قانون خاصی به جز «قطع بدون درز» که فاصله بسیار ناچیزی است، تدوین نشده است. در مورد بلندمرتبه ها در فقه شیعه، طبق نقل قول های پذیرفته شده، اساس ساخت سازه ها به صورت افقی و با ارتفاعات ۷، ۸ یا ۹ ذراع (به ترتیب برابر با ۳.۲۳ متر، ۳.۶۸ متر، ۴.۱۵ متر) است. فاصله سقف تا بام و در شهر ها برای هر طبقه ۷ ذراع است. اما ساخت آردهای دیگر، مگر در موارد ضروری،

حلال نیست. بر اساس اصل حاکمیت حاکمان اسلامی، حاکم اسلامی می‌تواند در مورد تخلفات ساختمانی حکم صادر کند و یا حتی ساختمانهای با این تخلفات را تخریب کند. در شهرهای ایران تخلفات ساختمانی در سال ۱۳۹۴ نسبت به سال ۱۳۹۳ ۳۱ درصد کمتر بوده است.

در خصوص رعایت عدالت در توزیع امکانات شهری، فقه اسلامی بر این نکته تأکید فراوان دارد که در صورت عدم رعایت عدالت، ممکن است مدیریت مخدوش شود. بررسی‌های مربوط به اماکن عمومی دارای حصیر آسفالتی نشان داد که در شهرهای ایران در محله‌های فقیرنشین نسبت خیابان‌های آسفالت‌شده حاشیه شهر به کل شهر در سال ۱۳۹۳ ۶۷ درصد و در سال ۱۳۹۲ ۵۳ درصد بوده است. جهشی قابل توجه است و به نظر می‌رسد که عدالت در این زمینه برقرار شده است، هرچند ارقام سال ۲۰۱۵ تعدیل شده است. در ناوگان شهری، تعداد ایستگاه‌ها و طول مسیرهای اتوبوسرانی شهری به ترتیب ۲.۵ و ۳.۴ درصد افزایش یافته است که نشان‌دهنده توزیع بهتر منابع است. در فقه اسلامی، اشاعه فرهنگ اسلامی لازمه جدایی ناپذیر یک شهر اسلامی است و در شهرهای ایران با توجه به سرانه مساجد، ۲۴۲ مسجد دیگر مورد نیاز است و طرح ۱۱۰ مسجد شهرداری شهر تا حدودی می‌تواند تعطیل شود. فاصله همینطور در مورد کتابخانه‌ها با احتساب تمامی کتابخانه‌های شهر، سرانه فضای کتابخانه شهر ۲ متر مربع است که فاصله زیادی با اهداف برنامه پنجم توسعه دارد. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، عناصر و تندیس‌های شهری است که نشان‌دهنده اشاعه فرهنگ اسلامی است. مدیران شهری در ایران توانسته‌اند در راستای فرهنگ دینی، ایثار، شهادت و اقتصاد مقاومتی گام‌های موثری بردارند.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

باید پذیرفت که چیزی به نام مدیریت به طور عام و مدیریت شهری به طور خاص در تمام کشورها وجود دارد؛ اما معنای آن به مقدار کم یا زیاد از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. معنای مدیریت شهری با توجه به بینش تاریخی، فرهنگی و اوضاع محلی شکل می‌گیرد. مدیریت شهری در ایران پدیده‌ای نیست که بتوان آن را از دیگر فرایندها جدا کرد. در این راستا مدیریت به روشنی با دین و باورها و شرایط جغرافیایی هر مکان رابطه دارد. بر این مبنا می‌توان اذعان نمود که الگوی اسلامی - ایرانی مدیریت شهری رویکردی جامع‌جهت‌تعالی و پیشرفت مناطق شهری کشور بر مبنای آموزه‌های اسلام و با توجه کامل به مقتضیات و شرایط کشور است.

اقتضای قید اسلامی بودن در تعریف مدیریت اسلامی بر این مبنا استوار است که باید مفاهیم، شاخص‌ها و اساساً هر چیزی که در معرفی مدیریت دخیل است، ناظر به تعریفی اسلامی از مدیریت باشد و بر مبنای نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلام مبتنی شده باشد. همچنین ایرانی بودن الگو ناظر به این است که باید در زمینه‌ی پیشرفت، شرایط بومی را در نظر گرفت. الگوی اسلامی پیشرفت، الگویی است که مبتنی بر مبنای معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلامی و در چهارچوب حقوق و اخلاق اسلامی باشد. با توجه به تحقیقات صورت گرفته می‌توان به این مهم دست یافت که دین اسلام که دینی است جامع که می‌تواند اصول حکمرانی مطلوب شهری را مشخص نماید. اصولی همچون عدالت، قانون‌مداری، شهروندمداری، مسئولیت‌پذیری مدیران شهری و... یافته‌ها در این نوشتار حاکی از این است که در هر کشوری الگوی مدیریت براساس تقسیم‌بندی وظایف مدیران شهری و میان‌مشارکت مردم در امور شهری متفاوت است. لذا می‌توان با استفاده از آموزه‌های دینی اصول اخلاقی و عملی برای مدیران شهری قرارداد و با رعایت فرهنگ اسلامی در چیدمان شهری از الگوهای کشورهای موفق از جمله فرانسه نیز بهره‌مند شد.

پرا که فرانسه همچون ایران دارای ساختار بسیط است. استفاده از فرهنگ اسلامی در مدیریت شهری به این معناست که باید ظاهر شهر متجلی فرهنگ اسلامی باشد. ظواهر یعنی معماری ساختمان ها، طرز لباس پوشیدن، نوع تبلیغات و کسب و کارهای شهری و.. و اما در ایران در مدیریت شهری اسلامی به دلیل کم رنگ شدن الگوهای اسلامی باچالش هایی همچون کسب درآمد ناپایدار و رانتهی از خدمات شهری، برنامه ریزی از بالا به پایین، کوتاهی عمر مدیریت شهری تکیه بر فرد محوری به جای برنامه محوری، عدم شفافیت مواجه هستیم که امید است با ترویج الگوی اسلامی گامی در راستای بهبود مدیریت شهری برداریم.

منابع

- اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۸)، تحلیلی بر مسائل شهرهای ایران، پژوهش مدیریت شهری، شماره ۲.
- حسینی فرد، عاطفه، راعی، مسعود، علی اکبری، احسان (۱۴۰۰)، جامعه شناسی مدیریت شهری از منظر فقهی - حقوقی، شماره ۴۸
- فریودی، یوسف (۱۳۹۳) اداره ی امور شهرداریها. سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، شماره ۴۳
- قالیباف، محمدباقر، زکی، یاشار، رضوی نژاد، مرتضی، آل حسن قزوینی، سلمان (۱۳۹۵)، بررسی و تحلیل تطبیقی الگوی مدیریت سیاسی شهرها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (نمونه موردی: ایران و فرانسه) شماره اول
- محمدزاده، شیما، سلیمان پور عمران، محبوبه (۱۳۹۹) بررسی میزان تاثیر آموزش شهروندی بر مسئولیت پذیری اجتماعی، مهارت زیست محیطی و مهارت اجتماعی، شماره یازده، دوره بیست و دوم، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست
- یوسف پور، وحید (۱۳۹۰)، نقش ناحیه محوری در بهبود مدیریت شهری مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی

Alexander, E. R. (2016). Evaluation in planning. Evolution and Prospects, ASHGATE.

Wiggin, H. D. (2016). General laws of Massachusetts. Massachusetts, MA: Thomson West.

Taib, M. Z. M., & Rasdi, M. T. (2012). Islamic architecture evolution: Perception and behavior. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 49, 293-303.

Labibzadeh, M., Siahplolo, N., & Khajehdezfuly, A. (2015). Separation distance determination of torsional adjacent buildings using random vibration theory. Journal of American Science, 6(10), 184-194.

Scandura, T. A. (2014). Rethinking leader-member exchange: An organizational justice perspective. The Leadership Quarterly, 10(1), 25-40.